

هاشمی رفسنجانی و مشکل حل منازعات درونی رژیم از طریق مذاکره

29 تیر 1388

برخورد های رفسنجانی در یک ماه ونیم گذشته، نامه سرگشاده وهشدارگونه او به خامنه ای در آستانه «انتخابات» 22 خرداد وپنهان کردن بعدی خود از انظار در یک ماه گذشته به همراه تلاش های پشت پرده اش، وبالاخره سخنان اخیرش در نماز جمعه 26 تیرماه، همگی نشان ازاین دارند که وی بیش از همه سران رژیم موقعیت بحرانی و انباشته از تناقض جمهوری اسلامی را درک کرده و برای بیرون کشیدن کشتی به گل نشسته نظام، از خود درایت ودوراندیشی نشان می دهد.

او نیک متوجه تناقض ذاتی رژیم، تناقض میان دو وجه جمهوریت و اسلامیت آن، گردیده است وبا درک اهمیت نگران کننده گسترش تشتت د رایین باره، آن هم دراین وضعیت به شدت بحرانی، برای کاهش آن به چاره جویی افتاده است.

رفسنجانی با شامه تیزش بهتر از دیگرسران رژیم دریافته است که چرخشی جدی دراوضاع به وقوع پیوسته است؛ او فهمیده است که این مردم دیگرحکمرانی شدن به شیوه های سابق را بر نمی تابند واگرچاره ای به سرعت اندیشیده نشود وتغییری در شیوه های حکومتی صورت نگیرد، گشایشی هر چند محدود در اوضاع بوجود نیاید وتلاشی تازه از سوی مسؤلان نظام برای کانالیزه کردن امواج عظیم نارضایتی مردم به درون نظام صورت نگیرد آنگاه همین مردمی که تا دیروز شعار ابطال انتخابات را فریاد می کردند، در آینده ای نه چندان دور و با بروز بحران هایی تازه وبا فراهم شدن فرصت هایی جدید، می توانند ابطال کل نظام را فریاد کنند.

علاوه برهمه اینها، او موقعیت خود و خانواده وامپراتوری مالی ای که در این 30 ساله به چنگ آورده را به شدت متزلزل، در معرض حذف وافتادن به چنگ دیگر باند های مالی-امنیتی رژیم می بیند.

مخاطب او دراین سخنرانی هم خامنه ای ودیگر سران حکومتی بود، هم نیروهای سرکوبگر وهم توده های وسیع مردم به ستوه آمده از سیطره 30 سال حکومت دینی که در ابعاد میلیونی راه نافرمانی مدنی اختیار

کرده اند و بسته به رویداد ها می توانند در ادامه تحولات، کل نظام را به چالش بکشند.

طی همین سخنرانی هاشمی رفسنجانی توانست یکبار دیگر به عنوان مرد نیرومند نظام و چهره شاخص مخالف سیاست های خامنه ای و گماشتگان وی، به عنوان سخنگوی اصلی جناح مخالف، اعم از اصلاح طلب و غیر اصلاح طلب، خود را مطرح کند و با کوشش برای سوار شدن بر موج اعتراضی مردم، امنیت خود و خانواده اش را در مقابل حملات جناح مخالف بیمه نماید.

چنین بود که رفسنجانی در سخنان خود، بر خلاف نامه سرگشاده اخیرش به رهبر، این بار نه تنها هیچ اشاره ای به ولی فقیه و رهبر و ابرار اخلاص و همراهی با او نداشت که هیچ، بلکه او و سیاست ها و روش ها و نتایج زیانبار آنها را برای نظام به نقد کشید؛ وی ضمن انتقاد از گماشتگان رهبر در شورای نگهبان، صدا و سیما، دولت و...، لزوم رعایت قاعده بازی و توجه به حقوق جناح مخالف خامنه ای را مطرح ساخت؛ وی با دعوت به حرکت در کادر قوانین، تغییر برخی قوانین را، البته از طریق قانونی مطرح ساخت؛ که یکی از این قوانین می تواند تغییر اصل ولایت فقیه از طریق مجلس خبرگان و بدین ترتیب تهدید خامنه ای به خلع ید از مقام ولایت باشد. او گفت در این زمینه ها بحث ها و مشورت های وسیعی را پیش برده و پیشنهادهایش را با شورای مصلحت نظام و نمایندگان در مجلس خبرگان و... در میان گذاشته است. او در حالی آزادی زندانیان و بازداشت شدگان یک ماهه اخیر و دلجویی از آنها و خانواده هایشان را مطرح می کرد که در همان هنگام، و قبل و پس از آن، نیرو های سرکوبگر خامنه ای به قلع و قمع مردم گرد آمده پیرامون دانشگاه و سرکوب و بازداشت آنها مشغول بودند و...

اما در ورای سخنان هاشمی رفسنجانی، آنگاه که بحث برسر اختلافات موجود در رأس هرم جمهوری اسلامی مطرح است نباید این نکته ابتدائی را فراموش کرد که بحث بر سر قدرتی است که نه از طریق دموکراتیک بلکه به ضرب زور و با تکیه بر سرکوب خشن مخالفین و تصفیه های خونین درونی پا گرفته و مستقر گردیده است؛ حکومتی که به نام دین و با سوار شدن بر موج عظیم جنبش مردمی شکل گرفته است و مراکز پیچیده و متعدد قدرت و تصمیم گیری در درون خود را بوجود آورده است و با تکیه بر منافع سرشار نفتی باند های مافیایی فوق العاده نیرومندی را در خود جای داده است. همین باندها و محافل و خانواده های ذینفوذ، که یک سرشان در منابع سرشار و باد آورده مالی و سر دیگرشان در مراکز امنیتی و نظامی و سر سوم آنها در شبکه روحانیت تشیع و در میان ملا ها قرار دارند و در جنگ و گریز مدام با یکدیگر به سر می برند، هستند که متفقاً مافیای در قدرت جمهوری اسلامی را تشکیل می دهند.

دسته بندی های در قدرتی که چنین شکل گرفته باشند وطنی یک دوره 30 ساله و در مسیری پر پیچ و خم و سرشار از توطئه و کلک به توازی در میان خویش دست یافته باشند و همچنان که نشان داده اند آن جا که پای منافع حیاتی شان در میان باشد از اقدام به هیچ جنایتی در حق مردم ومخالفین خویش دریغ نمی ورزند، آنگاه که به اختلافی حاد در میان خویش برخورد کنند و منافع حیاتی خود را در معرض تهدید ببینند مشکل می توانند از طریق مذاکره با هم به تفاهم دست یابند. بی جهت نیست که رفسنجانی، نگران از آینده تیره و تار منازعات باند های حکومتی، عدم پاسخگویی به موقع به بحران کنونی و گسترش بیشتر آن را به ضرر همه دست اندرکاران رژیم و تهدید منافع حیاتی همه جناح های حکومتی دانسته است.

عفو بین الملل: شادی صدر در خطر شکنجه!

فراخوان به اقدام فوری

• عفو بین الملل با انتشار اطلاعیه ای نسبت به خطر شکنجه ی شادی صدر ابراز نگرانی کرده است ...
شنبه ۲۷ تیر ۱۳۸۸ - ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۹
عفو بین الملل با انتشار اطلاعیه ای نسبت به خطر شکنجه ی شادی صدر ابراز نگرانی کرده است.

شادی صدر از فعالین جنبش زنان روز گذشته در تهران توسط نیروهای لباس شخصی بازداشت شد. در بیانیه ی عفو بین الملل آمده است: مدافع حقوق بشر شادی صدر در روز 17 ژوئیه در تهران به وسیله مردانی که گمان می رود مامور امنیتی باشند ربوده شد. به احتمال بسیار زیاد او به خاطر فعالیت های حقوق بشری خود پس از انتخابات مورد مناقشه ریاست جمهوری بازداشت شده است. او در خطر شکنجه به سر می برد و یک زندانی وجدانی است.

شادی صدر که یک وکیل و روزنامه نگار است، با گروهی از فعالان حقوق زنان در خیابانی در تهران در راه بود که مردان لباس شخصی ناشناس

او را گرفتند و کوشیدند به داخل یک اتومبیل بکشانند. در کشمکش که رخ داد، روسری و مانتو او از تنش در آمد، اما او ابتدا موفق به فرار شد. او را به سرعت دوباره گرفتند، با باتوم زدند و سپس با ماشین بردند.

شادی صدر و گروه زنان برای شرکت در اولین نماز جمعه به امامت رئیس جمهور سابق علی اکبر رفسنجانی پس از انتخابات مورد مناقشه ریاست جمهوری رهسپار دانشگاه تهران بودند.

شادی صدر وکیل مدافع شیوا نظر آهاری، مدافع حقوق بشر، عضو کمیته گزارشگران حقوق بشر، است که ماموران امنیتی در روز 14 ژوئن 2008، کمی پس از انتخابات ریاست جمهوری، پس از بازرسی منزل و ضبط لوازم شخصی اش، در منزلش دستگیر کردند. گمان می رود او در بند 209 زندان اوین باشد؛ وکیلش شادی صدر موفق نشده بود در آنجا به او دسترسی داشته باشد.

لطفا هر چه سریعتر نامه هایی به فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه یا به زبان خودتان بفرستید و:

- از مقامات بخواهید فوراً و بدون قید و شرط شادی صدر را آزاد کنند، زیرا او یک زندانی وجدانی است که صرفاً به خاطر فعالیت های حقوق بشری و به کارگیری مسالمت آمیز حق آزادی بیان، تجمع و اجتماع در بازداشت به سر می برد؛

- تاکید کنید که محل بازداشت او را فوراً فاش کنند و اجازه دسترسی فوری به خانواده، وکیل دلخواه خود و نیز هرگونه مراقبت پزشکی ضروری را برای او تضمین کنند؛

- تاکید کنید که از شادی صدر باید در در برابر تمام اشکال شکنجه و دیگر اذیت و آزارها محافظت شود

- مقامات را فراخوانید تا به ایجاد محدودیت غیرقانونی بر استفاده از حق آزادی بیان، تجمع و اجتماع پایان دهند. نامه ها را به مقامات زیر بفرستید:

رونوشت برای:

کانون وکلای ایران

خیابان زاگرس، شماره 3

میدان آرژانتین،

تهران، جمهوری اسلامی ایران

پست الکترونیکی:

tamas@iranbar.org

یا mail@iranbar.org

رئیس قوه قضاییه

آیت الله محمود هاشمی شاهرودی

حوزه ریاست قوه قضائیه

خیابان پاستور، خیابان ولی عصر، پایین تر از سه راه جمهوری،

تهران کد پستی 1316814737، جمهوری اسلامی ایران

پست الکترونیکی: shahrودي@dadgostary-tehran.ir (در قسمت موضوع

بنویسید: خدمت آیت الله شاهرودی)

عنوان: عالی-جناب

رهبر جمهوری اسلامی ایران

آیت الله سید علی خامنه ای

دفتر مقام رهبری

خیابان جمهوری اسلامی، خیابان شهید کشور دوست، تهران، جمهوری

اسلامی ایران

پست الکترونیکی: info_leader@leader.ir

از طریق تارنمای: (انگلیسی)

<http://www.leader.ir/langs/en/index.php?p=letter>

(فارسی) <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=letter>

عنوان: عالی-جناب آقای

و نمایندگان دیپلماتیک ایران در کشور خودتان.

در صورتی که بخواهید پس از تاریخ بالا نامه بفرستید، از دفتر عفو

بین الملل بخش خودتان سوال کنید.

اطلاعات بیشتر

شادی صدر، وکیل و روزنامه نگار، مدیر مرکز مشاوره حقوقی زنان،

راهی، تا زمان بسته شدن آن بود. او بنیانگذار زنان ایران، اولین

تارنمای مختص فعالیت های فعالان حقوق زنان بود و مطالب زیادی در

باره زنان ایران و حقوق قانونی آنان نوشته است. او ضمناً وکالت

فعالان و روزنامه نگاران، و چندین زن محکوم به اعدام را به عهده

داشته که محکومیتشان بعداً لغو شد. او در فعالیت های میدان زنان

(<http://www.meydaan.com>) نیز شرکت دارد. شادی صدر قبلاً در تاریخ

4 مارس 2007 در طی اعتراض به محاکمه پنج فعال حقوق زنان در تهران

دستگیر شده بود (نگاه کنید به 5، MDE 13/021/2007، UA 52/07،

March 2007 و اطلاعات تکمیلی در

(<http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/021/2007/en>)

در روزهای پس از 13 ژوئن که پیروزی رئیس جمهور احمدی نژاد در

انتخابات روز پیش از آن اعلام شد، و مورد مخالفت صدها هزار نفر از

ایرانیان قرار گرفته است، مقامات ایرانی محدودیت های شدیدی بر

آزادی بیان، تجمع و اجتماع برقرار کرده اند. نیروهای امنیتی شامل نیروی شبه نظامی بسیج در سطحی گسترده به خیابان ها گسیل شده اند؛ ارتباطات به شدت مختل شده است. نشریات ایرانی از انتشار اطلاعات در باره ناآرامی سراسری در پی اعلام نتیجه منع شده اند. روزنامه نگاران خارجی از حضور در خیابان ها ممنوع شده اند، ویزای آنها تمدید نشده و برخی از خبرنگاران خارجی دستگیر یا از کشور اخراج شده اند.

بنا به اطلاعاتی های رسمی که عفو بین الملل ثبت کرده است، از روز 12 ژوئن به بعد نیروی انتظامی و نیروهای بسیج بیش از 2000 نفر را در سراسر ایران در طی تظاهرات یا پس از آن دستگیر کرده اند. این عده شامل شخصیت های برجسته سیاسی نزدیک به میر حسین موسوی، نامزد انتخاباتی دیگر مهدی کروبی و رئیس جمهور سابق خاتمی که از مبارزه انتخاباتی میرحسین موسوی حمایت کرد، هستند. برخی از مدافعان حقوق بشر و روزنامه نگاران نیز بازداشت شده اند. در روز 16 ژوئن، وکیل و مدافع حقوق بشر عبدالفتاح سلطانی نیز دستگیر و بازداشت شد (نگاه کنید به فراخوان اقدام فوری 09/160، 19، MDE 13/059/2009، ژوئن 2009)

روزنامه نگار عیسی سحرخیز در روز 4 ژوئیه دستگیر و به محل نامعلومی انتقال یافت (لطفا نگاه کنید به فراخوان اقدام فوری 09/181، 6، MDE 13/067/2009، ژوئیه 2009). (<http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/067/2009/en>)

در روز 17 ژوئیه، رئیس جمهور سابق علی اکبر رفسنجانی برای اولین بار پس از انتخابات مورد مناقشه ریاست جمهوری، امامت نماز جمعه را به عهده داشت و خواهان آزادی ایرانیانی شد که در تظاهرات یا پس از تظاهرات مختلف دستگیر شده اند. هزاران نفر از هواداران مخالفان در خیابان های اطراف دانشگاه گرد آمدند و خطبه های او را به شعارهای حمایت از نامزد انتخاباتی میر حسین موسوی قطع کردند. پلیس از گاز اشک آور برای پراکندن آنها استفاده کرد. چندین نفر دستگیر شدند.

فراخوان اقدام فوری 09/193، شماره نامه: MDE 13/076/09، تاریخ صدور: 17 ژوئیه 2009

منبع خبر:

اخبار روز: www.akhbar-rooz.com

متن کامل سخنان هاشمی رفسنجانی و فیلم از نماز جمعه و نظرات مختلف در باره سخنرانی هاشمی رفسنجانی

سخنان هاشمی رفسنجانی



به نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران:

هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های دوم نماز جمعه تهران با بیان این‌که "ما سعی داشتیم حکومت پیامبر(ص) را مبنای انقلاب اسلامی قرار دهیم" یادآور شد: روزی که امام(ره) مهندس بازرگان را به عنوان رئیس دولت موقت اعلام کردند، بختیار هنوز در این کشور بود، اما امام(ره) عجله داشت کار را به مردم بدهیم و در حکمش می‌گوید که اولویت تشکیل مجلس و نوشتن قانون اساسی است.

وقتی ما قانون اساسی را تهیه کردیم پیش از این‌که مجلس خبرگان درباره آن نظر بدهد، امام(ره) روی آن نظر دادند و اصول مربوط به مردم را تربیت کردند.

وی افزود: زمانی که قانون اساسی تدوین شد کشورهای دیگر تعجب می‌کردند. مثلاً الجزایر می‌گفت ما 20 سال بعد از انقلابمان قانون را نوشتیم و ما پاسخمان این بود که به دلیل این‌که ما با قدرت مردم پیروز شده‌ایم، نگرانی نداریم. از لحاظ قانون اساسی همه چیز کشور ما به دست مردم است. از رهبری که با رای غیرمستقیم از طریق مجلس خبرگان انتخاب می‌شود تا انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور، مجلس و شوراها همه به عهده مردم است و افرادی که از این‌ها سمت می‌گیرند به اتکای رای مردم هستند. این یک حکومت دینی است و جمهوری اسلامی هم لفظی تشریفاتی نیست.



در این میان نمازگزاران شعار الله اکبر سر دادند که هاشمی رفسنجانی گفت: قرار شد شعار ندهید تا من زودتر خطبه‌ها را تمام کنم.

وی ادامه داد: جمهوری اسلامی واقعیتی است که از قرآن، ائمه و پیامبر به ما رسیده و ما اعتقاد داریم جمهوریت و اسلامیت هر دو

باید با هم باشند. اگر هر کدام آسیب ببینند ما دیگر آن انقلاب را نداریم. اگر اسلامیت نباشد نظام به بیراهه می‌رود و اگر جمهوریت نباشد این نظام قابل تحقق نیست. راه ما همان بوده که حضرت علی(ع) حکومت را نپذیرفت تا زمانی که عده کثیری خواستار حکومت ایشان بودند. ما باید این روند را تقویت کنیم.

رییس مجلس خبرگان با اشاره به انتخابات اخیر ریاست جمهوری تصریح کرد: این انتخابات اگر مشکلاتی در آن پیش نمی‌آمد ما در 30 سالگی انقلاب بهترین گام را در جهت تحقق جمهوری اسلامی برمی‌داشتیم. من نمی‌گویم که این اتفاق نیفتاده است، اما ما از اواخر دوران تبلیغات دچار تردید شدیم. افرادی تردید کردند، تبلیغات نادرست و عمل نادرست صداوسیما باعث شد، بذل تردید در دل مردم به وجود بیاید که مثل خوره به جان ما افتاده است. ما تردید را بدترین مصیبت می‌دانیم.

در خلال صحبت‌های هاشمی رفسنجانی نمازگزاران شعارهایی سر  می‌دادند که وی نیز با بیان این‌که "تایید شما با این شعارها کافی است، بگذارید من بهتر از شما بگویم" ادامه داد: البته دو گروه هستند؛ عده‌ای تردیدی ندارند، قاطع ایستاده‌اند و کار خودشان را می‌کنند، اما عده‌ای هستند که کم نیستند و بخش زیادی از مردم فهیم و عالم کشورمان هستند که می‌گویند ما تردید داریم. ما باید برای رفع تردید آن‌ها کار کنیم. شرایط و دوران تلخی است. هیچکس از همه جریانات دلش نمی‌خواست که این‌طور شود. همه ضرر کردیم. چرا باید این‌طور شود؟ ما امروز بیش از همیشه نیاز به وحدت داریم. کشور ما باید در برابر خطرهایی که ما را تهدید می‌کنند و امروز باج‌خواه‌هایشان بیشتر شده متحد شود. آن‌ها دارند جلو می‌آیند که این زحمت طولانی ما را در به دست آوردن تکنولوژی برتر و به خصوص هسته‌ای از دست ما بگیرند. البته خداوند به آن‌ها مهلت نمی‌دهد اما آن‌ها به هوس افتاده‌اند.

امام جمعه موقت تهران خطاب به نمازگزاران، گفت: برادران و خواهران من و همه جریان‌ها! شما من را می‌شناسید و می‌دانید که هیچوقت از این تریبون نخواستم جناحی استفاده کنم و همیشه فراجناحی حرف می‌زنم، اکنون هم همین‌طور می‌گویم و من نظر به هیچ طرفی ندارم، اما نظرم این است که همه ما باید فکر کنیم و راهی پیدا کنیم که متحد کشورمان را به پیش ببریم و از آثار بد و خطرناک کینه‌هایی که بروز پیدا می‌کند، نجات پیدا کنیم و هم دشمنان‌مان را مایوس کنیم که چشم طمع به ما نبندند.

وی در بیان پیشنهادات خود اظهار کرد: من این پیشنهادات را با  جمعی از خبرگان و اعضای مجمع تشخیص مصلحت که به فکرشان اعتماد

دارم، مطرح کردم و به اینجا رسیدم. من اینها را به عنوان راه حل عرض می‌کنم. شاید دیگران هم بپذیرند و عمل کنند. مساله مهم ما این است؛ اعتمادی که مردم را با آن وسعت وارد میدان کرد، امروز قدری مخدوش شده است. ما این اعتماد را برگردانیم و این باید هدف مقدس ما باشد؛ اما این اعتماد چگونه باید برگردد؟

وی افزود: همه ما نظام، حکومت، دولت، مجلس، نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی و مردم یعنی به اصطلاح معترضان همه باید در چارچوب قانون حرکت کنیم. اگر از قانون تجاوز کنیم دیگر هیچ مرزی نداریم. باید با قانون مسائلمان را حل کنیم و همه به این قانع باشیم. اگر کسانی با بعضی از قوانین دلخوشی ندارند باید سعی کنند این قوانین اصلاح شود و هر وقت لازم است این اشکالات روزی حل شود؛ اما چارچوبمان را قانون قرار دهیم.

هاشمی رفسنجانی با بیان این‌که " این اتفاقات در یک روز و یک شب انجام نمی‌شود و جریانی طولانی است" گفت: ما باید به گونه‌ای عمل کنیم و فضایی به وجود آوریم که همه اطراف بتوانند آنجا حرفشان را بزنند. هر طرف منطقی، بدون دعوا و بدون مشاجره حرف بزنند. البته کار عمده در این زمینه مربوط به صدا و سیماست که باید انجام دهد. زیرا مستمعین زیادتری دارد و سایر رسانه‌ها هم باید این کار را بکنند. بحث‌ها منطقی باشد، برادرانه و خواهرانه بنشینند و حرفشان را بزنند و دلایلشان را هم بگویند. بالاخره مردم در این بین خودشان می‌فهمند. طوری باشد که ما این اعتماد را برگردانیم.

وی با اشاره به فرصت پنج روزه مقام رهبری به شورای نگهبان برای رسیدگی به اعتراضات کاندیداهای معترض انتخابات ریاست جمهوری، تاکید کرد: متأسفانه از این فرصت که رهبری به شورای نگهبان دادند و گفتند بروید عقلا و موجهین را بیاورید تا بررسی کنند و اعتماد مردم را جلب کنیم، استفاده خوبی نشد و من نمی‌خواهم بگویم تقصیر چه کسی بود که نشد، اما نشد. به هر حال آن گذشت و ما از این مرحله گذشته‌ایم و مرحله دیگری است. من فکر می‌کنم برای آینده، برای اتحاد و برای جلوگیری از خطر نظام و حفظ ارزشهایی که انقلاب خلق کرده و برای بنای باشکوهی که امام(ره) آن را با خون شهدا و مجاهدات مردم و رزمندگان و برای این‌که این نظام برای نسل‌های بعد بماند، می‌توانیم در این مقطع حرکاتی انجام دهیم.

وی با بیان این‌که " اگر این دو کار را بپذیریم که قانونی باشد ✖ و راه برای مناظره و مذاکره مباحثه و استدلال باز باشد، شاید در مدت کوتاهی به قناعت برسیم" خاطرنشان کرد: در این فاصله باید کارهای دیگری هم بکنیم؛ لازم نیست در این شرایط ما افرادی را به این نامی که الان است در زندان داشته باشیم. اجازه بدهیم این‌ها

بیایند و به خانواده‌هایشان برسند. نگذاریم به خاطر زندانی بودن یک عده دشمنان ما، ما را سرزنش و شماتت کنند. برای ما بخندند و برای ما نقشه بکشند. ما باید این قدر رشادت، حلم و صبر داشته باشیم که همدیگر را تحمل کنیم.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: مساله بعد این است که با آسیب‌دیدگان حوادثی که اتفاق افتاده همدردی و دلجویی شود، آن‌هایی که عزادارند هم به آن‌ها تسلیت بدهیم و هم دل آن‌ها را دوباره به نظام نزدیک کنیم، این کار شدنی است. کسانی که وفادار به انقلاب باشند و ببینند نظام به سراغ‌شان می‌رود، آن‌ها زود با دل و جان‌شان با ما همراهی می‌کنند. باید این کار را انجام دهیم و از آن‌ها دلجویی کنیم. باید سعه صدر داشته باشیم.

وی خاطرنشان کرد: اینجا لازم نیست ما عجله داشته باشیم و لازم نیست ما خود را گرفتار کنیم. بگذارید رسانه‌هایمان اگر با معیارهای قانونی اجازه گرفتند، محدودشان نکنیم البته در حد قانون. ملاک باید قانون باشد، نه رسانه‌ها انتظار داشته باشند بیش از اجازه قانونی عمل کنند و نه نظام از آن‌ها توقع داشته باشد که حق قانونی‌شان را ندیده بگیرند. همه با هم بگذاریم فضایی آرام و آزاد انتقادی یا تاییدی هر دو به وجود بیاید.

هاشمی رفسنجانی، گفت: من فکر می‌کنم اگر مسوولان، نیروهای ✖ انتظامی، نظامی و امنیتی رعایت کنند همه ما عضو یک خانواده هستیم. همه آسیب دیده در راه انقلاب هستیم. همه جزء کسانی هستیم که در جهاد طولانی دفاع مقدس سرمایه‌گذاری کردیم. همه در گلزارهای شهدا شهید داریم و همه در خانه‌هایمان جانباز داریم. چرا باید دیگران از راه‌های دور برای ما نسخه بپیچند؟ ما خودمان هستیم. ما این قدر عاقل نیستیم؟ ما این مبانی را نداریم؟ ما تجربه 30 سال اداره کشور را نداریم؟ ما علما را نداریم؟ مراجع ما که همیشه پشتیبان و حقیقتاً بدون توقع در حوزه‌های علمیه در خدمت بودند، چرا باید بعضی از آن‌ها برنجنند؟ باید آن‌ها را کنار خودمان حفظ کنیم. باید به آن‌ها متکی باشیم.

امام جمعه موقت تهران تاکید کرد: اگر ان شاء الله بتوانیم این یکپارچگی را فراهم کنیم امیدوارم این خطبه نماز جمعه شروع تحولی در آینده باشد و بتوانیم از این مشکلی که می‌شود متأسفانه اسم بحران روی آن گذاشت، به خوبی عبور کنیم و دوباره شاهد همدلی، هم‌رزمی و همراهی و رقابت سالم، و هرکس را مردم خواستند، باشیم. رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام خطاب به نمازگزاران و در پاسخ به شعارهای آن‌ها، گفت: خداوند به شما توفیق دهد، شما را محفوظ کند تا همیشه با همین روحیه در صحنه باشید.

هاشمی رفسنجانی در بخش دیگری از سخنان خود نسبت به کشتار اخیر ✖ مسلمانان در چین نیز ابراز تاسف کرد و گفت: من به دولت چین عرض می‌کنم که از آن‌ها انتظار می‌رود بتوانند در مقابل مطالبی که به این مردم وارد می‌شود کار درستی انجام دهند. عده‌ای از نمازگزاران شعار مرگ بر چین سر دادند که هاشمی رفسنجانی گفت: شعار ندهید. به دلایلی که شما هم می‌دانید و شرایط خاصی که در خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران حاکم است، از شما می‌خواهم که شعار ندهید.

وی ادامه داد: ما دولت چین را دولت عاقلی می‌دانیم که در جهت توسعه کشور و مردم خود کار می‌کند و برادرانه به آن‌ها نصیحت می‌کنیم که این برخوردها به صلاح آن‌ها نیست و باید به فکر ارتباطات خود با کشورهای اسلامی باشند و ان‌شاءالله از این به بعد شاهد ظلمی نسبت به مسلمانان در چین و دیگر کشورها نباشیم. مساله دیگر مساله عراق، پاکستان و افغانستان است که همچنان خون‌ریزی، فساد و درگیری در آن‌ها وجود دارد.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه سخنان خود به انتخابات اخیر ریاست جمهوری اشاره کرد و افزود: در انتخاباتی که انجام شد ما خیلی خوب شروع کردیم و رقابت خوبی شکل گرفت. چهار نفری که از نظر شورای نگهبان صالح معرفی شدند رقابت کردند و مردم هم به آزادی انتخابات امیدوار شدند و حضور بی‌سابقه‌ای داشتند. در این شرایط همه چیز آماده ایجاد افتخاری بزرگ بود که ما باید این افتخار را مربوط به مردم بدانیم و باید از همه آن‌ها تشکر کنیم که آزادانه آمدند و در انتخابات شرکت کردند ولی ای کاش همان شرایط تا امروز ادامه داشت و امروز ما سربلندترین شرایط را می‌توانستیم در جهان داشته باشیم ولی آن‌طور که می‌خواستیم نشد.

وی با طرح این سوالات که " ما چه می‌خواهیم؟ انقلاب اسلامی چه می‌خواهد؟" خاطرنشان کرد: شما این سخنان را از کسی می‌شنوید که از پیش از شروع مبارزات قبل از انقلاب که توسط حضرت امام آغاز شد، لحظه به لحظه همراه انقلاب بوده است و صحبت از 60 سال پیش است؛ ما می‌دانیم اساس تفکر امام(ره) چه بوده است. امام می‌فرمایند آنچه من می‌خواهم مردم است و هرچه می‌توانید باید تلاش کنید تا دل مردم را به دست بیاورید.

وی با بیان این‌که " امام(ره) مخالفتی نمی‌کردند که گروه‌ها و احزاب رقابت کنند" تصریح کرد: این راه، راه پیغمبر(ص) بود که مردم را با میل و اعتقاد خود پای کار بیاورند و این هنر امام بود که توانست این کار را به خوبی انجام دهد. کمتر از 20 سال بعد از

آغاز مبارزات مردم آنچنان آگاه شدند که البته هزینه هم دادیم ولی سودمان خیلی بیشتر بود. همین خیابان‌های پر از نیروهای حامی امام و معتقد، دولت مغرور و متکبر پهلوی را که آن موقع از ارتجاع و از شرق و غرب کمک می‌گرفت و به دلیل بالا رفتن قیمت نفت، انبارهای آن‌ها پر بود، سرنگون کرد.

رئیس مجلس خبرگان با تاکید بر این‌که "مبنای فقهی امام(ره) این بود که حکومت اسلامی بدون حضور مردم نمی‌شود و اگر مردم راضی نباشند حکومت اسلامی نخواهد بود" اظهار کرد: خاطرم هست که آن زمان روایتی از حضرت امام شنیدم که بعدها در مورد منبع آن تحقیق کردم و روایت بسیار جالبی است و مبنای استدلال امام بود. این روایت می‌گوید: روزی پیغمبر اسلام بعد از غدیر به حضرت علی گفت که تو ولی این امت هستی. اگر دیدی این مردم راضی بودند و تو را قبول کردند و با اجماع و اکثریت آمدند، شما بپذیر و متولی امر شو و اگر دیدی اختلاف کردند و لشان کن و بگذار هر کاری که می‌خواهند بکنند و خداوند برای تو راهی پیدا می‌کند که به اهدافت برسی. این روایت بسیار معتبر است و ناقل آن سیدبن طاووس بوده است.

<http://www.youtube.com/watch?v=azIIeWIWHBo>

<http://www.youtube.com/watch?v=MFQZTqdJ0Bg>

<http://www.youtube.com/watch?v=UKW4uGVtw-w>

http://www.facebook.com/ext/share.php?sid=109285882129&h=trVd7&u=YjM_5&ref=nf

<http://www.youtube.com/watch?v=MFQZTqdJ0Bg>

محمد یزدی رئیس شورای عالی حوزه:
چه کسی جز هاشمی‌رفسنجانی بذر تردید در انتخابات افشاند؟

اعتماد ملی- مطهره شفیعی: آیت‌الله محمد یزدی برای دومین بار طی دو ماه اخیر به انتقاد شدید از مواضع رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام پرداخت. در حالی که انتظار می‌رفت آیت‌الله یزدی به عنوان رئیس یکی از بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین تشکل روحانی همانند آیت‌الله مهدوی کنی رئیس دیگر تشکل روحانی پر قدرت (جامعه روحانیت مبارز) جانب احتیاط را در برخورد با بزرگان نظام رعایت کند، تنها یک روز پس از ایراد خطبه‌های هاشمی در نماز جمعه تهران به انتقاد از او پرداخت و این شخصیت نظام را به افشاندن بذر فتنه در انتخابات

متهم کرد.

شاید بتوان گفت اختلافات جدی میان یزدی و هاشمی از انتخابات هیأت رئیسه مجلس خبرگان در بیستم و بیست و یکم اسفندماه 87 آغاز شد. در آن انتخابات، هاشمیرفسنجانی که رقیب یزدی بود توانست به عنوان رئیس این مجلس به فعالیت خود ادامه دهد. در آن زمان خبرنگاری از آیتالله یزدی در خصوص پیام انتخاب مجدد آیتالله هاشمیرفسنجانی به ریاست مجلس خبرگان رهبری که وی نیز کاندیدای تصدی این پست بود، سوال کرد که آیتالله یزدی پاسخ داد: از ابتدا روشن بود آقای هاشمیرفسنجانی به ریاست مجلس خبرگان انتخاب میشود و یقین داشتم اکثریت آرای نمایندگان مجلس متعلق به اوست.

وی که به گفته خود نتیجه انتخابات را پیش از برگزاری آن میدانسته است، در خصوص علت نامزدی خود برای تصدی ریاست مجلس خبرگان و رقابت با هاشمیرفسنجانی متذکر شد: انتخابات نباید یک کاندیدا داشته باشد و من هنگام کاندیدا شدن تصریح کردم برای آنکه انتخابات صدق کند، داوطلب خواهم شد.

انتخابات مجلس خبرگان با ریاست هاشمی به پایان رسید و آیتالله یزدی تا بیستم خردادماه سال جاری کمتر به اظهار نظر در مورد هاشمی پرداخت اما در 20 خرداد، این آیتالله یزدی بود که در محکوم کردن هاشمی به دلیل نامه‌ای که خطاب به رهبری نگاشته بود، پیشقدم شد. هاشمی در این نامه با استناد به گزارش رئیس قوه قضائیه وقت که همانا آیتالله یزدی بود، اظهارات احمدی‌نژاد در مناظره با موسوی مبنی بر فساد مالی خود را رد کرده بود اما آیتالله یزدی نه تنها گزارش 10 سال پیش خود مبنی بر عدم فساد مالی هاشمی را تایید نکرد، بلکه پاسخ داد: «از 10 سال به این طرف، من دیگر در دستگاه قضایی نبودم. این انتساب برای 10 سال پیش است. در زندگی هم میدانیم و تاریخ نشان میدهد خیلی حوادث مختلف پیش می‌آید، بنابراین باید مشخص شود که این جمله مال الان نیست و نباید الان مورد استناد قرار گیرد.»

روزهای زیادی از انتخابات ریاست جمهوری نگذشته بود که آن راهپیمایی پرحاشیه در قم برگزار شد. راهپیمایی که به گفته آیتالله استادی از سوی يك طلبه و علیه هاشمیرفسنجانی اما به بهانه حمایت از احمدی‌نژاد برگزار شد. مقصد این راهپیمایان مکانی نبود جز دفتر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. تا بنای در بیست و ششم خردادماه گزارش داد: «عده‌ای از مدرسه فیضیه تا روبه‌روی دفتر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم راهپیمایی کردند. راهپیمایان که حامیان احمدی‌نژاد بودند شعارهایی علیه آیتالله هاشمیرفسنجانی دادند و در مقابل دفتر جامعه مدرسین قطعنامه خواندند.»

در حالی که جامعتین در انتخابات ریاست‌جمهوری برای حمایت از کاندیدای خاصی به نتیجه نمی‌رسیدند، آیت‌الله یزدی به ناگاه در نامه‌ای حمایت تشکل متبوعش از احمدی‌نژاد را اعلام کرد. البته حمایت تمام اعضای این تشکل از احمدی‌نژاد بلافاصله تکذیب شد و مشخص گردید حمایت از احمدی‌نژاد خواست طیف یزدی در این تشکل است و تمام اعضای این تشکل حاضر به حمایت از احمدی‌نژاد نیستند. از 54 عضو جامعه مدرسین حدود نیمی از اعضا از احمدی‌نژاد حمایت کرده بودند و باقی سکوت کردند و اکنون پس از گذشت بیش از یک ماه از زمان برگزاری انتخابات باز هم آیت‌الله یزدی خود را رو در روی هاشمیرفسنجانی قرار داد و این بار در جمع خبرنگاران و یک روز پس از نماز جمعه تاریخی که به امامت هاشمیرفسنجانی ایراد شد، به انتقاد از مواضع رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام پرداخت و گفت: هنوز انتخابات تمام نشده بود که موضوع تردید بیان شد و باید از آقای هاشمیرفسنجانی پرسید چه کسی بذر تردید را در جامعه افشاند؟ آیت‌الله یزدی ادامه داد: ایشان در خطبه دوم موضوع بذر تردید افشاندن را مطرح کردند که باید از ایشان پرسید چه کسی برای اولین بار این بذر را در جامعه گسترش داد. قبل از انتخابات چه کسی نامه نوشت و گفت «آتش فتنه را دور سازید» هنوز که انتخابات آغاز نشده بود، آیا این نامه بذر تردید نبود؟ در ادامه به بخش دیگری از سخنان آیت‌الله هاشمیرفسنجانی مبنی بر اینکه بذر تردید در این انتخابات افشانده شد، اشاره کرد و گفت: هاشمی از مردم تجلیل کرد و این واقعیت درستی است که همه می‌دانند اما ایشان گفتند بذر تردید در این انتخابات افشانده شد و این یکی از ویژگی‌های انتخابات این دوره بود.

وی در پاسخ به این جمله خطاب به هاشمیرفسنجانی این سوال را مطرح کرد که چه کسی بود که اولین بذر تردید را افشاند. قبل از انتخابات چه کسی به مقام معظم رهبری نامه نوشت و گفت که در خیابان‌ها آتش فتنه ایجاد شده و دود آن به چشم این و آن می‌رود. چه کسی جز خود ایشان (رفسنجانی) بذر تردید را افشاند؟ عضو فقهای شورای نگهبان در ادامه تشکیل کمیته صیانت از آرای مردم را امری غیرقانونی دانست و اضافه کرد: قانون، نظارت بر انتخابات را بر عهده شورای نگهبان نهاده است حال چه کسی کمیته غیرقانونی صیانت آرا را تشکیل داد؟ رئیس آن چه کسی بود؟ به چه مناسبت تاسیس شد؟ چرا به نظارت شورای نگهبان تکیه نشد؟ یزدی در دفاع از عملکرد وزارت کشور و شورای نگهبان گفت: این وزارت کشور همان وزارت کشوری است که ریاست جمهوری هاشمی را اداره کرد، ریاست جمهوری خاتمی را اداره کرد. این شورای نگهبان همان شورای نگهبانی است که انتخابات

ریاست جمهوری ایشان و آقای خاتمی را نظارت کردند. چطور آن زمان این بحث‌ها و حرف‌ها پیش نیامد اما قبل از انتخابات این دوره این مساله و این بحث پیش آمد. وی خطاب به هاشمی‌رفسنجانی گفت: مساله خیانت و تقلب در انتخابات را چه کسی مطرح کرد و کجا مطرح شد؟ در زمانی که هنوز انتخابات اعلام نشده بود! این چه معنا دارد؟ بذر تردید را چه کسی افشاند؟ باید با آنها برخورد شود. چه گروه‌هایی کمک کردند تا این بذر آبیاری شود و این همه فساد و فتنه در خیابان‌ها ایجاد شده و امنیت کشور را زیر سوال بردند. وی در ادامه به دیگر سخنان هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه دیروز تهران اشاره کرد و گفت: ایشان در نماز رسماً پیشنهاد آزادی بازداشت‌شدگان را می‌کنند، مگر ایشان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نیستند. ایشان به خوبی می‌دانند که این کار مربوط به دستگاه قضایی کشور است. ایشان مساله پایبندی به قانون را مطرح می‌کنند در حالی که این گفته ایشان با دیگر سخنان و رفتارهای او تناقض دارد. اگر شما قانونمدار هستید، نباید پیشنهاد آزادی بازداشت‌شدگان را بدهید اما می‌توانید توصیه کنید که با دقت به جرائم آنها رسیدگی کنند. وی در خصوص علت بازداشت کسانی که در بازداشت هستند، گفت: کسانی که در بازداشت هستند پول‌هایی گرفته‌اند، کارهایی کرده‌اند و در متن تحریک مردم گرفته شده‌اند، بنابراین نباید آزاد شوند. اگر کشور قانون دارد و لازم است قانون حاکم باشد، اگر از من پرسیده شود من می‌گویم نباید آزاد شوند. شما چه کاره هستید که می‌گویید باید بازداشت‌شدگان آزاد شوند؟ اگر شما خیرخواه مردم هستید که مطمئناً همین طور است باید بگویید به مساله آنها دقیقاً رسیدگی شود. در این فتنه آدم‌ها کشته شده‌اند چه کسی باید جواب آنها را بدهد.

یزدی ادامه داد: بعد از انتخابات و فتنه‌ها و سخنرانی رهبری، سکوت معنادار آقای هاشمی یعنی چه؟ آیا این تنها فقط يك سکوت است؟ این سکوت نوعی حمایت و طرفداری از جبهه مخالف و تایید صحنه‌های خیابانی است. من می‌پرسم رئیس مجلس خبرگان چرا سکوت کردید و نگفتید نباید خیابان بیایید و شیشه‌ها را بشکنید؟ در حالی که شما در سطح بالایی هستید.

وی از عملکرد شورای نگهبان در بحث انتخابات دفاع کرد و گفت: ایشان (هاشمی) گفت که شورای نگهبان به وظیفه خود عمل نکرد، من در شورای نگهبان بودم و در پیشگاه خداوند شهادت می‌دهم که آنچه انجام گرفت با دقت و صحت بود. وی ادامه داد: این همان شورایی است که خبرگان هم از آن عبور کرده‌اند. چطور ایشان می‌گویند شورای نگهبان عمل نکرد و در مقابل پیشنهاد می‌کند برای اعتمادسازی کاری کنید. وی خاطرنشان کرد: شورای نگهبان بیش از هر دوره در این دوره با

کاندیدها همراهی کرد که بتوانند حرف و شکایتشان را بگویند. این 5 روز مهلت را ما از رهبری درخواست کردیم اما کاندیدها نیامدند و بازشماری صندوقها با پیشنهاد خود شورای نگهبان بود. وی خطاب به آقای هاشمی گفت: اینکه میگویید فضا را طوری آماده کنید که هر کس حرفش را بزند یعنی چه؟ یعنی موسوی بگوید باید انتخابات باطل شود؟ چون در مناظره در مورد آقای هاشمی صحبت شده است؟ در واقع نمی‌دانم منظور ایشان چه بوده است؟ آقای هاشمی با آن همه سوابقی که دارید و موقعیت کنونی آیا مصلحت کشور این طور ایجاب می‌کند؟

یزدی به جلسه روز پنجشنبه با هاشمی‌رفسنجانی و توصیه‌های حوزه خبرگان و شورا به ایشان اشاره کرد و گفت: همه توصیه کردند این نماز باید ایجاد وحدت کند اما شما آمدید ایجاد اختلاف کردید و آن حرفها و حدیثها را برگردانید. این جریان‌ها روشن کرد که جریان چیز دیگری بود که قبل از انتخابات طرح آن ریخته شده بود. جریانی که با حمایت انگلیس بود و به دنبال ساقط کردن رهبری، واژگون کردن نظام و انقلابی به قول برخی مخملی بود. وی در ادامه به حاشیه‌های نماز جمعه دیروز اشاره کرد و گفت: اکثریت قریب به اتفاق کشور اسلام را می‌خواهند اما يك عده‌ای که جوان هستند و تحت تاثیر برنامه ماهواره‌ای هستند، بیایند شعار دهند که چه؟ با آن وضعیت پارچه سبز به دست بسته و یا لباس سبز پوشیده؟ آیا ما باید اینها را تقویت کنیم یا اکثریت و نظام را تقویت کنیم؟

وی موکداً به جلسه روز پنجشنبه با هاشمی‌رفسنجانی اشاره کرد و گفت: ما با ایشان صحبت کردیم و گفتیم که در نماز دنبال چیزهایی که برخی مسائل را زنده می‌کند، نباشید. رهبری خطر را رفع کردند. شما مجدداً در صدد بودید که خطر را برگردانید اما این خطر دامن شما را می‌گیرد. من توقع نداشتم شما از رهبری تجلیل کنید، تجلیل نکردید. آن نامه‌ای که نه سلام و نه علیک در آن بود يك طرف این هم سخنرانی شما از طرف دیگر. کشور در سایه رهبری امنیت دارد. مردم دنبال رهبری هستند، مثل روز برای شما روشن است که اگر رهبری حمایت نکند شما نمی‌توانید کشور را اداره کنید.

وی از عدم تشکر هاشمی از رهبری به شدت انتقاد کرد و گفت: حداقل به اندازه حمایت رهبری از شما، شما از رهبر حمایت می‌کردید، متأسفانه این روشها و برخوردها از شما خلاف انتظار بود.

یزدی در پاسخ به سوال خبرنگار دیگری در مورد قسمتی از سخنان آقای هاشمی که عنوان کردند نامه‌ای را در خصوص انتخابات در مجلس خبرگان مطرح کرده‌است، گفت: تمام سخنان آقای هاشمی ظاهراً بی‌سند بوده است و تنها ادعاست.

مواضع شخصیت‌ها

سیداحمد خاتمی، امام جمعه موقت تهران: انتقاد به شورای نگهبان، زیر سوال بردن عملکرد منصفانه صداوسیما و درخواست آزادی مطلق عوامل آشوب، التهاب‌آفرینی بود.

دبیر سیاسی جامعه اسلامی دانشجویان: سخنان هاشمی در راستای ایجاد دودستگی بود.

علیرضا ذاکراصفهانی، رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری: مردم ما به راه‌حلهای القاکنندگان بحران نیازی ندارند.

لطف‌الله فروزنده، قائم مقام جمعیت ایثارگران: هاشمی‌رفسنجانی باید رفتار خود را اصلاح کند و هشیار باشد تا دشمنان سوءاستفاده نکنند.

احمد سالک، عضو جامعه روحانیت مبارز: همه امیدها بسته به خطبه‌های نماز جمعه هاشمی بود که مردم را دعوت به قانونگرایی کنند، اما از زندانیان دلجویی کرد.

رسول منتجب‌نیا، قائم مقام حزب اعتماد ملی: هاشمی در جایگاهی فراتر از احزاب و شخصیت‌ها قرار دارد و از موضع ریشسفیدی مباحث خود را مطرح می‌کند.

محمد غروی، سخنگوی سابق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: صحبت‌های هاشمی بسیار حکیمانه و بر اساس آرمان‌های انقلاب و سیاست‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری بود.

سیدحسین موسوی‌تبریزی، دبیر کل مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم: کمترین کاری که دلسوزان نظام برای برون رفت از وضع کشور می‌توانند انجام دهند، عمل به راهکارهای هاشمی است.

اعظم طالقانی، دبیر کل جامعه زنان انقلاب اسلامی: سخنان هاشمی بی‌شباهت با سخنان مرحوم طالقانی در اولین نماز جمعه تهران نبود.

ناصر قوامی، رئیس کمیسیون قضایی مجلس ششم: باید گوش شنوایی برای درک سخنان راهگشای هاشمی وجود داشته باشد.

اطلاعیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران درخصوص سخنان آیت الله یزدی در پاسخ به نامه آیت الله هاشمی رفسنجانی خطاب به مقام

رهبری؛

21/3/88

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف ایران!

در پی نامه آیت الله هاشمی رفسنجانی به مقام رهبری، خبرگزاری فارس مصاحبه ای از آیت الله شیخ محمد یزدی دبیر جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم منتشر کرده است که بسیار تأمل برانگیز می نماید. بر اساس گزارش خبری فوق، آیت الله یزدی در این مصاحبه گفته اند: «... من در صدد پاسخگویی به حرفهای ایشان و نامه ایشان (آیت الله هاشمی رفسنجانی) نیستم. من به طور کلی میتوانم بگویم که کشور رهبر دارد، مسئول کشور رهبر است و مسلماً مردم و همه علما، روحانیت و مسئولان نظام به رهبری ایشان اعتقاد داشته و جملگی تابع فرامین و منویات ایشان هستند ... آقای هاشمی رفسنجانی مسئولیت مجمع تشخیص مصلحت را دارند و سمتی به عنوان رهبری ندارند. رهبر کشور مسئول کل کشور است و امنیت کشور به عهده ایشان است. آرامش کشور به عهده ایشان است. ایشان دستورات لازم را صادر فرموده اند و میفرمایند: اگر کسی هم خلافی کرده یا خلافی کند، در جای خود تذکرات لازم را به او میدهند ... فرض کنید کسی هم جمله ای گفته است و نمیبایست میگفت، پیگیری آن روال قانونی دارد ... به هر حال تصور من این است در حال حاضر هر نوع تشدید التهاب در جامعه مقابله و مخالفت با نظام و اهداف مقدس آن است. در کل به هر حال من آنچه که باید عرض کنم همین است که به حمدالله کشور رهبر دارد ... مردم ما در سایه تدین و وحدتشان پشت سر مقام معظم رهبری هستند. تعابیری که موجب تفکیک جامعه و تفرقه جامعه شود به نظر من این تعابیر مصلحت نظام و انقلاب نیست...»

البته با توجه به سابقه و عملکرد خبرگزاری فارس به عنوان خبرگزاری وابسته به محافل نظامی و اطلاعاتی امیدواریم مصاحبه مذکور با آیت الله یزدی همسان بسیاری از اخبار منتشره از سوی این خبرگزاری کذب و یا تحریف شده باشد اما در صورت صحت این خبر و درستی انتساب آن به آیت الله یزدی باید برای ایشان به خاطر بیان چنین سخنانی سخت متأسف بود. اظهارات آیت الله یزدی در این مصاحبه در صورت صحت یک جانبداری آشکار از هتاک و دروغ و تزویر و نفی بدیهی ترین موازین و تعالیم دینی در مقابله با منکر و دفاع از معروف است که وظیفه هر مسلمانی است. از این رو از دو حال خارج نیست یا سابقه افشاگری های عوامل وابسته به جریان اقتدارگرای حاکم نظیر پالیزدار، آیت الله یزدی را ناگزیر ساخته تا از بیم تکرار افشاگری های مشابه و از باب ضرورت و اضطرار از منکری بیّن، دفاع و معروفی آشکار را ترک گویند و یا این که به اشاره و مصلحت اندیشی محافل قدرت خود را ملزم به بیان این اظهارات دیده اند. در هر دو صورت باید متأسف بود زیرا رفتاری این گونه که هیچ نسبتی با حق و موازین دینی و عقلی ندارد در شأن یک روحانی و عالم دین نیست. ایشان به رغم این که مواضع سیاسی و دیدگاهی کاملاً مخالف ما دارند اما دارای سابقه قابل قبولی در عرصه مبارزه دوران پیش از

انقلاب هستند و از یک روحانی با چنین سابقه ای هرگز انتظار نمی رود در برابر رفتارهای زشت و مغایر با اصول بدیهی اخلاقی و اسلامی که از سوی افشار مختلف جامعه، روشنفکران و عالمان و روحانیون برجسته و نامدار کشور محکوم شده است، تنها به خاطر مصلحت و یا منفعت، این گونه به مداهنه و تساهل رفتار کرده بلکه به تأیید سخن بگویند.

اگر سخنان آقای یزدی صرفاً بی تفاوتی و یا حمایت ضمنی از هتک حرمت و آبروی اشخاص بود، اگر چه برازنده یک روحانی نیست، اما می توانستیم آن را بر اختلاف نظر و مصلحت اندیشی های سیاسی و جناحی حمل کنیم، اما وقتی ایشان در قبال سخنانی که تمام دوران انقلاب و رهبری امام و ... را به تاراج می برد و بدیهی ترین مصالح ملی را با چالش مواجه ساخته به ادعاهای عربستان در سال های دهه شصت علیه ایران مهر تأیید می زند و رفتارهایی که خاطرة سخنان بنی صدر در 14 اسفند را تداعی می کند، چنین به حمایت و تأیید و از سر آسوده خاطری سخن می گویند، باید به گرفتار آمدن افراد دارای سابقه مبارزه و برخوردار از کسوت عالم دین به افسون قدرت افسوس خورد. آیت الله یزدی با بی تفاوتی در برابر آنچه در روزهای اخیر رخ داده، مطالب بدیهی مطرح و وجود رهبری در کشور را حتی محکم بر ضرورت سکوت دیگران در برابر مسایل کشور و حتی لطمه زدن به مصالح و منافع ملی می دانند و مدعی هستند با وجود رهبری باید همگان حتی رئیس مجلس خبرگان کشور، که وظیفه نظارت بر عملکرد رهبری را دارد و رئیس مجمع تشخیص مصلحت در برابر هر پرده دری و هتاک و حرمت شکنی و رفتارهای مغایر با مصالح و منافع ملی حق اظهار نظر ندارند؟! اظهارات آقای یزدی ما را به یاد مواضع کسانی می اندازد که در انتخابات مجلس دوم می گفتند هیچکس جز فقها حق دخالت در سیاست و معرفی کاندیدا ندارد. ایشان به یاد دارند که امام در پاسخ آن جماعت فرمودند: " روزی می گفتند مجتهدین در سیاست نباید دخالت کنند ... حالا می گویند سیاست حق مجتهدین است ... و مردم بروند سراغ کارشان و هیچ کار به مسائل اجتماعی نداشته باشند. این از آن توطئه سابق بدتر است" (صحیفه نور - جلد 18 - صفحه 368) اظهارات آقای یزدی يك گام جلوتر است و همه جز رهبری را از اظهار نظر در مورد مسایل کشور و حتی امنیت و آرامش آن منع کرده اند" به این ترتیب آیت الله یزدی به عنوان یک عالم دینی و دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نه تنها تصویر تأمل برانگیزی از مردمسالاری دینی و آزادی بیان در اسلام ارائه می دهند بلکه قرائت و تفسیری عجیب و بی سابقه ای از اصل امر به معروف و نهی از منکر و اصل مسئولیت اجتماعی و روایات مسلمی چون «من أصبح و لم یهتم بامور المسلمین»

به دست می دهند. به راستی آیا حفظ قدرت و مصلحت موقعیت باید چنان مهم باشد که بدیهی ترین موازین و روشنترین آموزه های دین تحریف و به پای آن قربانی شوند؟ صادقانه و صمیمانه خدمت ایشان عرض می کنیم که اگر فردی غیر روحانی این گونه سخن می گفت کما این که در این روزها گفته اند، ما نیازی به واکنش نمی دیدیم، زیرا فهم اغراض و مطامع سیاسی نهفته در پس این سخنان بر ملت فهیم ایران کاری چندان دشوار نیست، اما آثار و نتایج میان مدت و درازمدت سخنان و مواضعی اینچنین از سوی یک عالم دین و در رأس تشکلی که نام مدرسان و عالمان حوزه بر خود نهاده است و حسب ادعا افتخار دارد که همواره در مسیر دفاع و پیروی از مرجعیت شیعی حرکت کرده، بر اعتقاد و ایمانیات مردم چیزی در حد فاجعه است. اگرچه آیت الله یزدی به علت غلبه شدید گرایشات سیاسی پیش از این نیز بارها اظهارات و مواضعی ناموجه و ناسازگار با شأن روحانی خویش داشته اند، اما ضمن یادآوری شماتت های قرآن کریم به عالمانی که کتمان حقیقت می کنند، صمیمانه به ایشان متذکر می شویم که خسارت بار خواهد بود اگر جامعه به این نتیجه برسد که عالمان دینش فراتر از التزام به حقیقت و بیان تعالیم و آموزه های شریعت، آنچنان که مراد و مقصود شارع مقدس است، به مصلحت و سیاست و قدرت سخن می گویند.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران

21/3/88

زمانی برای احیا شدن، در باره نماز جمعه هاشمی، دیپلماسی ایرانی
شنبه 27 تیر 1388

وقتی رئیس شورای سیاست گذاری ائمه جمعه در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه ۲۶ تیر تلاش می کرد تا به سخنران اصلی سمت و سو بدهد و بایدها و نبایدهایی را برای او ترسیم کند، باید متوجه می شدیم که هاشمی رفسنجانی برای جامه کردن و پوست انداختن آمده و قرار است مسئولیت تازه ای برعهده بگیرد.

بعد از اعلام خبر حضور هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۲۶ تیرماه که همزمان با سالگرد نخستین نمازجمعه بعد از انقلاب به امامت مرحوم آیت الله طالقانی بود، گمانه های متعددی مبنی بر چگونگی حضور او در جمع نمازگزاران مطرح شد.

ماهیت تریبون نماز جمعه با اسلحه ای که به دست خطیبش می دهد و هم شخصیت - تا دیروز - محتاط و منعطف هاشمی رفسنجانی، اجازه هرگونه پیش داوری را از تحلیلگران سیاسی سلب کرده بود. البته یکی از

هاشمی ها وعده داده بود که آیت الله هاشمی حرف هایی مردمی و برای مردم دارد و قصد دارد روز جمعه آنها را با مردم در میان بگذارد. تا پیش از ۲۶ تیرماه نیز حاضران در نمازجمعه های تهران کسانی جز مردم نبودند؛ ولی این بار هاشمی رفسنجانی دایره مخاطبان این تریبون انقلابی را گسترش داد و با کشاندن فوج فوج مردمی که شاید تا آن روز از کنار محل برپایی نماز جمعه عبور نکرده بودند، تعریف تازه ای از مردم به روایت تریبون نماز جمعه ارائه کرد.

هاشمی برای سنت شکنی زمان پرمخاطره ای را انتخاب کرد. او تنها امید معترضان به انتخابات است که در محدوده قدرت از جایگاهی رفیع و حامیانی وثیق برخوردار است ولی شاید به همین میزان نیز در مرکز خطر و در تیررس رقبای سیاسی قرار داشته باشد.

هاشمی رفسنجانی برای عینیت بخشیدن به پاره ای تغییرات ساختاری و برای تداوم جنبشی که از سوی اصلاح طلبان سیاسی دنبال می شود، مصداق تک ورق حکم است که خرج کردن آن نیاز به زمان سنجی و بازی خوانی دقیقی دارد.

شاید اصلاح طلبان و حامیان موسوی و کروبی که با حساسیت و اضطراب به خطبه های هاشمی توجه می کردند، از شنیدن سخنرانی باورنکردنی و پیشروانه هاشمی به عرش پریده باشند. به بیان دیگر، شرایط زمانی و موقعیتبرزخ گونه جبهه اصلاحات به گونه ای است که می توان سخنان هاشمی رفسنجانی را بدون تفسیرهای عجیب و غریب و اطوارهای سیاسی، به مثابه خونی تازه در رگ های اصلاح طلبان قلمداد کرد.

او برای اولین بار در نماز جمعه حاضر به ایراد سخنانی شد که با شخصیت پیشین اش - در قامت خطیب نماز جمعه - تفاوت های عمیق داشت و حرف هایش نه تنها به دل مستمعان رسمی و همیشگی این نماز نشست که حتی دلخوری و کینه هایی به وجود آورد و دودستگی را در لایه های فوقانی نظام تشدید کرد.

هاشمی مواضعی اختیار کرد که هیچ تناسبی با دیدگاه های مشابه ائمه جمعه نداشت. تعریفی که از مردم به دست داد و معترضین به انتخابات را مردم خطاب کرد، یکی از جالب توجه ترین نکته های سخنرانی او به شمار می رفت.

دفاع از زندانیان سیاسی نیز یکی از بی سابقه ترین پدیده هایی بود که می شد در نماز جمعه با آن مواجه شد. زندانیانی که از سوی دیگر خطبا و مسئولان دولتی کشور، اشرار و برانداز و عامل انقلاب رنگین معرفی می شوند توسط هاشمی مورد دفاع قرار می گیرند و مراجع قضایی و امنیتی زیرسوال می روند. این امر، نه فقط در تاریخ نماز جمعه بلکه در تاریخ حیات سیاسی هاشمی به یک نقطه عطف تبدیل شد.

او همچنین اولین کسی از منصب داران عالی نظام است که به دلجویی

از خانواده های داغدار حوادث اخیر برمی آید و نظام را در این باره واجد مسئولیت می داند. صحبت های هاشمی مخاطبان بسیاری داشت که اکثر آنها بیرون از درهای مصلى نشسته و دورتا دور شرکت کنندگان دائمی نماز جمعه را دربر گرفته بودند.

هاشمی در سی سالگی انقلاب و در سالگرد اولین نماز جمعه تاریخ انقلاب مجبور به بازخوانی ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی و بر ساخته های نسل اول انقلاب شد تا عنوان کند که جمهوریت و اسلامیت نظام غیرقابل حذف اند و در این میان وزنه بیشتری برای جمهوریت قائل شد. او تاکید کرد که تحقق نظام اسلامی بدون رای و رضایت مردم غیرقابل ممکن است و نقطه نظر امام خمینی (ره) نیز چیزی جز جمهوری اسلامی نبوده است.

او طی سخنانی که حکم اعلام خطر درباره آتیه نظام را داشت و سوء استفاده دشمنان خارجی از عدم مقبولیت انتخابات و تفرقه های داخلی را متذکر می شد، بارها از سوی نمازگزاران سنتی مقابلش مورد انتقاد قرار گرفت اما تکبیرهایی که از داخل خیابان ها به گوش می رسید، موید گفته های او مبنی بر خطر تعمیق شکاف ها و دودستگی ها بود.

توصیه ها و تعابیر هاشمی به همین جا ختم نشد. او با یادآوری دوران صدر اسلام و تاکید پیامبر اکرم بر کسب رضایت مردم برای تشکیل حکومت، بار دیگر موضوع جمهوریت را باز کرد و از همگان خواست تا تدابیری برای رفع تفرقه ها و چالش های بعد از انتخابات بیندیشند.

اینها را نه کسی از زبان هاشمی نقل می کرد و نه سخنانی بود که بر صفحه ای کاغذین نقش بسته باشد. صدا، صدای خود هاشمی بود و شاید نزدیک ترین افراد به او هم انتظار شنیدن شان را نداشتند. چهره محمدرضا باهنر و علی اکبر ناطق نوری در طول سخنرانی هاشمی از همه دیدنی تر بود.

هاشمی در روزهایی که زیر فشارهای حامیان و عناصر منسوب به دولت قرار داشت، با صراحتی غیرقابل انتظار از زندانیان سیاسی دفاع کرد و دربند کردن آنان را حرکتی عجولانه و غیرمدبرانه خواند. می توان گفت وقتی هاشمی به تعاریف مردم، جمهوریت، رابطه مردم و حکومت، حکومت اسلامی، انتخابات و معترضان آن، وحدت ملی، آزادی رسانه ها و... پرداخت، بخشی از ارکان رو به فراموشی نظام دموکراتیک سیاسی را زنده کرد و با این احیاگری، خودش را هم احیا کرد.

مخالفان هاشمی، مخالفان تازه ای نیستند. آنها از سالیان پیش و با ادله های سنتی خود به سیاست های دوره سازندگی می تاختند و بعد از دوران اصلاحات، وی را مسبب شکل گیری پاره ای از جریان ها می

دانستند و در زمان انتخابات دهم نیز همان عده این بار با فرضیات تازه ای به هاشمی ستیزی و هاشمی زدایی روی آوردند و تیرهای خود را مستقیم به جانب او هدف گرفتند. هاشمی یکی از معماران جمهوری اسلامی است که در برنامه ریزی برای دهه های آتی انقلاب تلاش های فراوانی به خرج داده است. اما پروژه حذف هاشمی از معادلات قدرت چند سالی است که کلید خورده و با برگزاری انتخابات دهم وارد فاز مهمی شده است.

با این حال رئیس مجلس خبرگان زمان را برای ورود مستقیم به اعتراض های سیاسی مناسب تشخیص داد و نماز جمعه ۲۶ تیر را به مقطعی تعیین کننده برای تجدید حیات یا احیای دوباره خود تبدیل کرد. هاشمی حالا علاوه بر مخالف، موافقانی پرشور پیدا کرده است که حاضرند به نماز جمعه بیایند و حمایت از هاشمی را فریاد بزنند. حلقه آنان در روز جمعه دورتادور دانشگاه تهران به هاشمی قوت قلب داد تا تولد دوباره اش را اعلام کند. می توان گفت اگر مخالفان هاشمی همان جماعت ثابت سابق هستند، حامیان وی قشری جدید به حساب می آیند که از رهگذر انتخابات دهم و اعتراض به روند برگزاری آن، به هیئت توده ای عظیم و متشکل درآمده اند.

هاشمی رفسنجانی دیرزمانی بود که در معرض سخت ترین تهمت ها و افتراهای سیاسی و اقتصادی قرار داشت و از این جهت نفرت گسترده ای را به جان خریده بود ولی اینک ورق برگشته و هاشمی می تواند محبوبیتی از نوع خاتمی و موسوی را هم تجربه کند. مهم این است که سنت شکنی و اعتمادزایی هاشمی که از نماز جمعه متفاوت ۲۶ تیر سرچشمه می گیرد، نباید چشم ها را بر واقعیت امروز و مسیر آینده ببندد. عبور برق آسا و حیرت انگیز هاشمی رفسنجانی از برخی سنت های تاریخی و پیوستن اش به خط مقدم جریان اعتراضات با هزینه ها و خطرهای توأم خواهد بود که شاید با دستاوردهایش برابری کند.

هاشمی زمان بعد از انتخابات دهم را بر اساس شواهدی چون تفرقه میان مردم، بی اعتمادی به حاکمیت و افزایش خطرهای خارجی، زمانی پرمخاطره و نیازمند تدبیر نامیده است. ما هم می توانیم این دوران را دوران هاشمی نوینی بدانیم که به واسطه حمایت و امیدواری مردم به او حاصل شده است. باید دید آیا خود هاشمی هم این قابلیت را دارد تا تغییرات دلخواه جامعه را صورتی عینی ببخشد؟ در این میان ذکر دوباره یک نکته ضروری است؛ اینکه این ورق تکخال (هاشمی) نباید بسوزد و حفظ این ورق بران مستلزم داشتن ورق های دیگری است.

تظاهرات بزرگ همبستگی ایرانیان در 15 و 16 ژوئیه در برابر نشست اتحادیه اروپا در استکهلم



روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، نشست اتحادیه اروپا در استکهلم پایتخت سوئد برگزار شد. یکی از موضوعات محوری این نشست، روابط اتحادیه اروپا با ایران بود. همزمان با این نشست دو روزه، تظاهرات وسیعی از سوی ایرانیان مقیم استکهلم برگزار شد که در آن اجتماع کنندگان از جمله خواهان پشتیبانی از جنبش اعتراضی مردم ایران، آزادی زندانیان سیاسی، به رسمیت نشناختن اعلام پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری اخیر و برگزاری انتخابات آزاد و اعزام هیئت بین‌المللی به ایران شدند.

<http://www.youtube.com/user/StockholmsIranian#play/uploads/3/V8000X8Da8>

برغم آن که روز 15 و 16 ژوئیه حدود پانزده تجمع و تظاهرات از جانب گروه‌های مختلف سوئدی و ایرانیان در رابطه با نشست اتحادیه اروپا برگزار شد، تظاهراتی که به دعوت "جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران" برگزار شد از بزرگترین تجمعات این دو روز به شمار می‌رفت که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های سوئدی و فارسی‌زبان بین‌المللی داشت.

روز چهارشنبه 15 ژوئیه نخست هیئتی از سوی برگزارکنندگان متشکل از مهرداد درویش‌پور، اصغر نصرتی، مقصود رنجبر و اریسا گلکار با مسئولین بخش خاورمیانه وزارت امور خارجه سوئد دیدار داشتند. هیئت نمایندگی در این دیدار خواست‌های برگزارکنندگان تظاهرات را عنوان نموده و خواستار اعمال نفوذ سوئد به عنوان رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا به منظور تشویق این اتحادیه به اعمال فشار بیشتر علیه دولت ایران و حمایت قاطع‌تر از مردم ایران شدند.

در پی آن در ساعت پنج بعد از ظهر گردهمایی ایرانیان در میدان

سرگل توریه استکهلم آغاز شد که در آن جمعیتی بین 1000 تا 1500 نفر در آن شرکت کردند. همزمان با شروع گردهمایی تعداد زیادی از تاکسیران های ایرانی در تاکسی های خود با صفوف منظم و با اسکورت پلیس در خیابان اصلی شهر به گشتی نمایشی دست زده و به محل گردهمایی آمدند. این تاکسی ها که به شعارهایی علیه دولت احمدی نژاد، ولی فقیه و سرکوب مردم ایران و جلب حمایت اتحادیه اروپا در پشتیبانی از مردم ایران مزین شده بودند با ورود به میدان مرکزی شهر و دور چند باره در میدان و بوق های پی در پی توجه زیادی برانگیختند. گشت نمایشی تاکسی رانان با استقبال چشمگیر چند صد تن از تجمع کنندگان روبرو شدند که با سرازیر شدن به میدان و با شعار ایران آزادی، آزادی ایران شور و هیجانی بسیار آفریدند. در این گردهمایی نمایندگان از 6 حزب پارلمانی سوئد از جمله حزب سوسیال دمکرات سوئد، حزب سبز، حزب چپ، حزب لیبرال مردم، حزب دمکرات مسیحی و حزب حاکم میانه رو در محکوم کردن حکومت ایران و حمایت از مردم سخنرانی کردند. پیامی پشتیبانی رئیس روزنامه نگاران بدون مرز نیز خوانده شد. از میان ایرانیان نیز مهرداد درویش پور استاد دانشگاه و فعال حقوق بشر و ازجمله سازمان دهندگان تظاهرات، علی حاج قاسمی جامعه شناس و استاد دانشگاه، افسانه وحدتی از فعالان زنان و حقوق کودکان و بدری توحیدی از فعالان زنان کرد، در حمایت از مبارزات مردم ایران و ضرورت اعمال فشار اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی ایران سخنرانی کردند. علاوه بر آن گروه های موسیقی رپ سوئدی و شاعران و خوانندگان ایرانی از جمله یاور استوار، انیس، پری عیسی زاده و شمین با شعر و آواز به همبستگی با مردم ایران پرداختند.

برای دیدن فیلم گردهمایی 15 ژوئیه و حرکت نمایشی تاکسی رانان می توانید از لینک زیر دیدن کنید.

درعین حال روز پنج شنبه 16 ژوئیه ساعت یک بعد از ظهر تجمع دیگری همراه با سکوت به ابتکار گروهی از جوانان و با حمایت «جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران» در جلوی محل نشست وزرای اتحادیه اروپا در الفشو برگزار شد که خبر آن نیز در برخی از رسانه های سوئدی بازتاب یافت.

در عصر پنج شنبه نیز، تظاهرات بزرگ دیگری از جانب «جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران» در جلوی ساختمان شهرداری استکهلم در ساعت شش بعد از ظهر برگزار شد که در آن صدها نفر از ایرانیان استکهلم حضور یافتند و نمایندگان از احزاب پارلمانی حزب چپ و لیبرال مردم سوئد سخنرانی کردند. نقطه اوج این حرکت زمانی بود که وزرای اتحادیه اروپا برای صرف شام وارد ساختمان

شهرداری شدند که با شعارهای " اتحادیه اروپا واکنش نشان بده"،
"راینفلت (نخست وزیر سوئد و رئیس دوره ای اتحادیه اروپا) واکنش
نشان بده"، جمعیت تظاهر کننده روبرو شدند. در این گردهمایی
نماینده وزیر دادگستری سوئد بیاتریس اسک به میان جمعیت آمد تا
نامه برگزارکنندگان تظاهرات به وزرای اتحادیه اروپا را از دست
مهرداد درویش پور نماینده برگزارکنندگان تظاهرات دریافت کند. او
نیز در گفتگوی کوتاهی به مضامین اصلی درخواست تظاهرکنندگان اشاره
نمود. فیلم گردهمایی روز پنج شنبه را نیز می توانید در لینک های
زیر مشاهده کنید.

<http://www.youtube.com/user/StockholmsIranian#play/uploads/2/IQNS5fwKEBI>

<http://www.youtube.com/user/StockholmsIranian#play/uploads/1/A4SvDzHwew8>

<http://www.youtube.com/user/StockholmsIranian#play/uploads/0/RJMx5adWFhI>

همچنین در پایان اعلام شد که به دعوت همین جمعیت روز 25 ژولای ساعت
17:30 دقیقه تظاهراتی همراه با تظاهرات بین المللی ایرانیان در
خارج از کشور صورت برگزار خواهد شد. در زیر قطع نامه تظاهرات دو
روزه که به وزارت امورخارجه سوئد، وزیر دادگستری و نشست وزرای
اتحادیه اروپا داده شد آمده است.

نامه تجمع بزرگ ایرانیان به نشست وزرای اتحادیه اروپا در استکهلم
در 15 و 16 ژولای

کشورسوئد از اول ژولای 2009 ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را
برعهده دارد و روزهای 15 و 16 ژولای نیز نشست وزرای اتحادیه اروپا
در استکهلم برگزار خواهد شد.

همزمان با آن اعتراضات گسترده ایرانیان در داخل و خارج از کشور
از فردای کودتای انتخاباتی دولت احمدی نژاد و ولی فقیه حامی آن
همه روزه جریان دارد. سرکوب خشن این تظاهرات نیز نه تنها نتوانست
مقاومت مردم را در هم شکند بلکه بزرگداشت گسترده قیام دانشجویی
18 تیر به فرصت دیگری بدل گشت تا عزم مردم ایران به برچیده شدن
استبداد دینی در ایران را به نمایش بگذارد.

همزمانی ریاست سوئد بر اتحادیه اروپا و نشست وزرای آن در استکهلم
در روزهای 15 و 16 ژولای با تداوم جنبش اعتراضی مردم ایران، فرصتی
را برای ما ایرانیان و دیگر شهروندان مقیم سوئد فراهم کرده است
تا با گردهم آیی های گسترده خود توجه هرچه بیشتر اتحادیه اروپا

را به ضرورت حمایت از مبارزات مردم ایران برانگیزانیم.

ما خواهان آنیم که فردریک راینفلت نخست وزیر سوئد و رئیس اتحادیه اروپا و همچنین وزرای اتحادیه اروپا از مبارزات مردم ایران برای دستیابی به آزادی حمایت کنند. همچنین ما از اتحادیه اروپا می‌خواهیم تا:

1 دولت احمدی نژاد را به رسمیت نشناسند و از خواست ابطال انتخابات حمایت کنند.

2. از خواست برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک زیر نظر مراجع بین‌المللی دفاع کنند.

3 خواستار آزادی دستگیر شدگان حوادث اخیر و کلیه زندانیان سیاسی شوند و برای اعزام هیئتی برای رسیدگی به وضعیت جانبازان، اعدام شدگان و بازداشت شدگان حوادث اخیر تلاش کنند.

4- از هرگونه فشار سیاسی از جمله تحریم سیاسی جمهوری اسلامی ایران برای پایان بخشیدن به خشونت علیه مردم و در جهت خواسته‌های آزادیخواهان مردم ایران حمایت نمایند.

5 ایران را کشوری ناامن اعلام نموده و حق پناهندگی هزاران ایرانی پناهنده را که در دوره‌های اخیر از چنگال حکومت استبدادی گریخته‌اند را به رسمیت شناسند و از بازگرداندن آنها به ایران خودداری ورزند.

جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران، استکهلم 15 و 16 ژوئیه 2009

همانگی تصادفی تروریست‌ها و نامزد قانون‌گریز (خبر ویژه)

چند گروهک تروریستی و جنایتکار که پیش از انتخابات ریاست جمهوری، ضمن بیانیه مشترکی خواستار تحریم انتخابات در ایران شده بودند، اکنون طرفدار رأی شرکت‌کنندگان شده و مدعی‌اند دولت احمدی نژاد مشروعیت ندارد.

گروهک‌های کومله، دموکرات، فدائیان خلق اقلیت و اکثریت، در کنار

شورای موقت سوسیالیست های چپ و جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک بیانیه مشترکی را امضا کرده و مدعی شدند در انتخابات ایران تقلب شده و مجامع جهانی نباید دولت را به رسمیت بشناسند. این گروهک های ضد انقلاب همان طیفی هستند که در پی تحریم انتخابات، با تودهنی 85 درصدی واجدین حق رأی (40 میلیون ایرانی رشید و غیور) مواجه شدند و بیش از پیش بی اعتباری خود را نزد ملت ایران نشان دادند.

در همین حال صدای آمریکا، رادیو فردا، دویچه وله، رادیو فرانسه و برخی سایت های وابسته به ضد انقلاب مقیم خارج، در اقدامی هماهنگ اظهارات اخیر یک نامزد ناکام انتخابات را منتشر کرده و مشترکا این تیترا را برای اظهارات وی انتخاب کردند که «دولت مشروعیت ندارد». نامزد یاد شده همچنین با وجود قانون شکنی های متعدد طی 4 ماه گذشته به ویژه پس از اعلام نتایج و معلوم شدن ناکامی وی، مدعی شده است «ما باید تلاش کنیم از طریق چارچوب قانون اعتراض خود را نشان دهیم» وی تهدید کرد «در صورت باز نشدن راه، نظام خود را در معرض ساختارشکنی قرار می دهد»!

این نامزد قانون ستیز که مشروعیت نامزدی و رفتارش زیر سؤال است توضیح نداده که چگونه می توان اعتراض را به خارج از مدار قانون و در حد اغتشاش و تشنج های خیابانی کشاند و در عین حال مدعی وفاداری به قانون شد؟ قانون برای اجراست و اگر قرار باشد کسی از آن دم زند اما در عمل به قانون تن ندهد، به طور منطقی و طبیعی متهم به بی صداقتی و دیکتاتوری و بستن نقاب قانون بر چهره قانون شکن و هرج و مرج طلبی خواهد شد.

5 شنبه 18 تیر

شماره 19406

مریم، کار سوگ و سپاس

بانوی من، بانوی ما، این بزرگ زن کوچک، مریم یوسفی، از میان ما رفتا و، مریم من، مریم ما، در جوش و خروش همواره ناشکیبانه اش، در نابهنگامی اش، پیش از آن رفت که بتواند حاصل تلاش های مبارزان

اجتماعی- سیاسی چون خود را ببینند: فروپاشی نظام جمهوری اسلامی و بساط استبداد تئوکراتیک در ایران. مریم پیش از آن رفت که بتواند زمینه های برآمدن آن چه که همواره برای تحقق اش مبارزه می کرد را به ببیند: آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، برابری زن و مرد، لغو مچارات اعدام، جدایی دولت و دین، جمهوری لائیک... در ایران.

اکنون آن چه که برای ما باقی می ماند، **Donner** است. **Don**، اما، به معنای بازاندیشی خود چون انسان. انسان در **Donner** بودنش. انسان در **Donner** بودنش، در میرایی اش، یعنی در سترگی و سستی هایش، در یگانگی و چندگانگی اش، در عزم ها و تردیدهایش، در ایقان ها و پرسش هایش... این انسان همواره عجیب، بی قرار و نا آرام.

دنیا سرشار از عجایب است

اما هیچ چیز عجیب تر از انسان نیست...

میان نظم زمین و نظم خدایان

او (انسان) همواره راه خود را دنبال می کند...

بر فراز شهر، رانده شده از شهر...

چنین است انسانی که نیستی نزد او هستی می شود (*)

یکی از این عجایب که انسان بالاترین آن ها ست، همانا ست که مریم در وصیت نامه اش، در واپسین اطلاعی اش، به آن اشاره می کند. در آن جا، مریم، به فرانسه می نویسد. شاید هم فکر به فرانسه می کند. در همان ابتدای نامه از Pardon صحبت می کند. تفسیری کنیم. می دانم که زمانه، زمانه ی تفسیر فلسفی نیست، حد اقل پس از یازدهمین تر مارکس. اما برای به سر انجام رساندن کار سوگ، برای تسکین درد و رنج مان نیاز مبرم به تفسیر داریم. مریم چه می خواهد بگوید؟ مریم به ما چه می گوید؟ معنای کلاسیک و عامیانه **Donner**، معنای دینی، مسیحی آن را کنار بگذاریم. گر چه کاملاً ممکن نیست. Pardon از دو حرف Par و Don تشکیل می شوند. و Don یعنی هدیه، اهدا. و Donner ریشه در Don دارد. و Donner یعنی دادن و بخشیدن، یعنی دهش.

راز مرگ داوطلبانه ی مریم در کجا ست؟ ما هیچ گاه نخواهیم توانست آن را کاملاً کشف کنیم. اما می توانیم به قول فیلسوف (باز هم هایدگر) شرایط و مقدمات نزدیک شدن به آن را فراهم کنیم. راز مریم، پس می تواند در یکی از وجه هایش، در همین کلمه ی سه حرفی **Don** فرانسه یا چهار حرفی **Donner** فارسی نهفته باشد. مریم من، مریم ما، در نامه اش، **خود آگاه یا نا خود آگاه، مهم نیست**، انگشت را به سوی مسأله ای بس اساسی و مهم نشانه می رود. به ما می گوید که به این سو نگاه کنیم، بی اندیشیم، بازنگریم و باز اندیشیم: به سوی دهش، دادن... به سوی هستی توأم با دادن. هستی یعنی دهش، یعنی دادن. از خود دادن به دیگری در دادنی و ستاندنی ممتد و دایمی. دادن یعنی هستی. پس هست مندی، هستی، یعنی دادن به غیر از خود، به دیگر. **حال هر گاه «دادن» دیگر، به هر دلیلی امکان پذیر نشود**، به هر دلیلی واقعی یا غیر واقعی، عینی یا ذهنی، آن گاه هست مندی یعنی خود هستی پرسش انگیز می شود. هر گاه که هستی در ذهنیت اش، خود را در تنگنای عدم امکان «دادن» پندارد، به راستی یا نا راستی، خود هستی که همانا دادن است علت وجودی خود را از دست می دهد.

مریم عزیز من، مزیم عزیز ما، با عمل جسورانه و احترام برانگیزش، ما زندگان را دعوت می کند که به این رابطه ی دو تایی با هم

عجین شده ی هستی و دادن، بی اندیشیم. دو باره و چند باره بی اندیشیم. رابطه ای فوق العاده فلسفی. رابطه ای فوق العاده اجتماعی. رابطه ای فوق العاده سیاسی. مریم، با حذف خود، ما را دعوت می کند که به مرگ یعنی به برش این دو، هستی و دادن، که در حقیقت یکی است، بی اندیشیم.

در پایان این تأمل کوتاه در سوگ مریم، امر سوگی که تاره در سرآغاز آن هستیم، مایلم از مهر و همبستگی همه ی دوستان و آشنایان که به اشکال مختلف، از طریق رسانه ها، حضور خود، سرودن شعر، نامه نویسی، کمک های مختلف و غیره همدردی خود را با من ابراز داشتند، صمیمانه تشکر کنم. بدون این ها امکان مقاومت در برابر چنین مصیبتی شاید برای من مقدور نبود. در این میان مایلم بویژه از کمک های تعیین کننده نزدیک ترین دوست مأنوس و همراز مریم، حماد شینائی، و هم چنین از کمک های بی دریغ دو دست گزافی ام شهرام قنبری و قادر اسکندانی، سپاس گذاری کنم.

(*) □□□□□□□□، سوفوکل، (با استفاده از برگردان هایدگر در □□ □□ □□□□□□□□).
